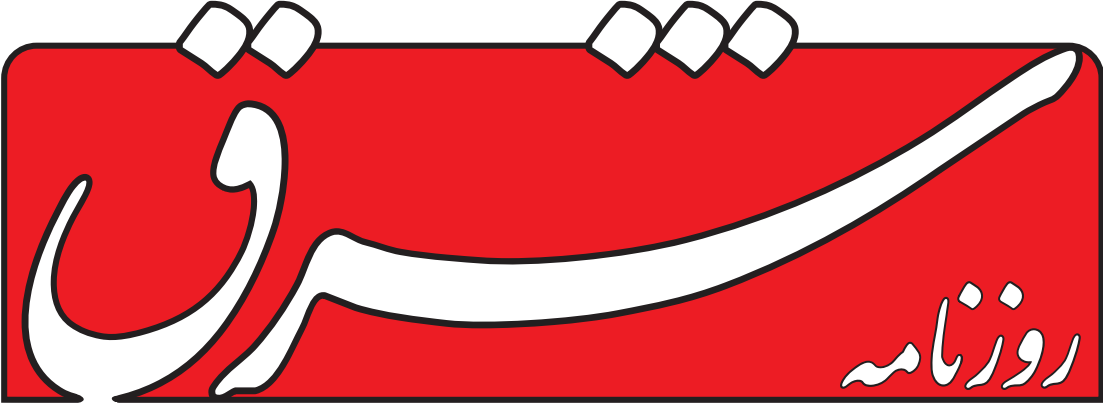


صف‌آرایی مخالفان اردوغان برای انتخابات پیش‌رو

## رقبای سلطان

دو ماه مانده به انتخابات ترکیه نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که ائتلاف مخالفان اردوغان متشکل از شش حزب در حال افزایش قدرت در برابر دولت فعلی است. ۱۴ می (۲۴ اردیبهشت) مردم ترکیه رأی خود را برای انتخاب رئیس‌جمهوری جدید و اعضای پارلمان به صندوق خواهند انداخت…

صفحه ۵



پنجشنبه ۲۵ اسفند ۱۴۰۱ • ۲۳ شعبان ۱۴۴۴ • ۱۶ مارس ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۱۹ • ۱۲ صفحه+۱۶صفحه ضمیمه اهالی • ۱۰۰۰۰ تومان

**در «شرق» امروز می‌خوانید:** رضا اسدی؛ از گور برگشته فوتبال ایران، واکنش وزیر ارتباطات به ادامه فیلترینگ و قطع مکرر اینترنت: سرعت اینترنت موبایل را ۴۰ برابر می‌کنیم! **و یادداشت‌هایی از محمد نعیمی پور**، محسن مرادی

### سرمقاله

### لبخند نسیم کوی دوست



سیدمصطفی هاشمی طباطبائی

یکی از روزنامه‌های صبح تهران تحت عنوان «ایران خوش خبر» نوشته است «شش خبری که روز گذشته لبخند را به چهره ایرانی‌ها نشانده». شش خبر روزنامه مذکور هرچه باشد و در هر اندازه و ابعادی باشد البته خوشایند است مثلاً اگر به‌جای کشف ذخیره ۵٫۸میلیون تنی لیتیوم کشف ۵٫۴ میلیون تنی هم اتفاق افتاده بود بازهم خوش‌حال‌کننده بود. اما حقیر تنها به‌خاطر این شش خبر خوشحال نشدم بلکه بیشتر به‌خاطر اینکه برخی خبرهای ذکرشده در گذشته که خبر بد محسوب می‌شد اینک خبر خوب تلقی می‌شود شادمان شدم. یعنی تغییر ماهیت و نگرش به خبرها اتفاق افتاده و در حقیقت این تغییر نگرش خبر خوش‌بختی است. حال می‌خواهیم بدانیم آیا خبرهای خوش دیگری هم در راه است؟ شاید جای تعجب باشد که افراد و گروه‌هایی که خبرهای خوش آنها چنان بود تغییر تعبیر داده‌اند زیرا در عالم وجود کم نیست نگرش‌هایی که به‌راحتی عوض می‌شود و تنها شجاعان هستند که آن را بیان می‌کنند و الا چه بسیار آدم‌های دگراندیش هستند که تظاهر به مسلمانی می‌کنند اما جرئت ابراز عقیده ندارند. اگر این حرف‌ها نقلیل است بد نیست که به یکی، دو مورد از شش خبر خوش اشاره‌ای داشته باشیم تا موضوع خط خود را پیدا کند و شاید ادامه این نوع خبر خوش دادن موجب انبساط‌خاطر بیشتر ملت ایران شود. اول اشاره‌ای به ازسرگیری روابط دیپلماتیک ایران و عربستان تحت زعامت یا پدرمیانی چین و آقای شی‌کنیم. نگارنده البته که این خبر را خوش می‌دارد زیرا رابطه بین دو کشور مسلمان (حال فراتناشن از اسلام هرچه می‌خواهد باشد) باید برقرار باشد اما یادمان نرفته که در قطع رابطه فی‌مابین بسیاری خوشحالی می‌کردند و آن را خیر خوش می‌خواندند زیرا حکام جور و وهابی عربستان قابل ارتباط نبودند. در همان زمان که مرحوم هاشمی‌رفسنجانی و ملک عبدالله روابط حسنه برقرار می‌کردند، مخالفان که اینک رابطه را خیر خوش می‌شمارند تا چه اندازه به ایشان اهانت کردند و بعد هم همین اتفاق دربارہ رئیس‌جمهور وقت، محمد خاتمی، روی داد و گفتند میلیون‌ها دلار از عربستان پول گرفته تا براندازی کند. خب این استخاله بسیار مبارک است و نشان می‌دهد که خبرهای خوش دیگر هم می‌تواند در راه باشند. مثل خبر توافق درباره برجام که حالا اگر توافق شود خبر خوب خوانده می‌شود. اما در رابطه عربستان و ایران که البته خبری خوش است، خبر خوش دیگری هم که قبلاً ناخوش بود وجود دارد و آن‌هم تضمین امنیت انرژی در خلیج فارس است. قبلاً خبر خوش آن بود که تنگه هرمز را می‌بندیم، حالا خبر خوش آن است که تضمین می‌دهیم تنگه هرمز را نبندیم و تضمین تأمین انرژی را بدهیم. خبر خوش دیگری از خبرهای شش‌گانه ذکرشده این است که در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قطع‌نامه‌ای علیه ایران صادر نشده است. قبلاً می‌گفتیم بگذارید آن‌قدر قطع‌نامه صادر کنند تا قطع‌نامه‌دانشان پاره شود و صدور چنین قطع‌نامه‌هایی را موجب استقلال دانش هسته‌ای و راهی از قید و بندها و تعهدات ایران می‌دانستیم اما حالا عدم صدور قطع‌نامه در خبر خوش برای مردم می‌دانیم. مصوبه مجلس پس از خروج آمریکا از برجام الزام مشروط دولت به خروج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) یک خبر خوش و شعف‌انگیز برای مردم تلقی می‌شد و قیقا اگر چنین شسود با تلقی جدید قطع‌نامه احتمالی شورای حکام خبری بد خوانده خواهد شد. اینکه خبرهای خوش لبخند به چهره ایرانی‌ها نباشند، بسیار پسندیده و مستحسن است و مردم هم منتظرند و امیدوار ولی مسئله این است که آیا این خبرهای خوش تداوم دارد یا در عمل با شکست روبه‌رو می‌شود؛ مثلاً آیا دولت تحمل گروه فشار را دارد گروه‌های فشار داخلی مطوع‌نام‌ها

رابطه با عربستان و گروه‌های فشار خارجی مثل صهیونیست‌ها و نیز رفتار متکبران‌ه و سنگدلانه عربستان با مخالفان و شیعیان قطیف عربستان؟ از طرفی وقتی این خبرها خبرهای خوش تلقی می‌شود به رسم قیاس، ناخودآگاه این اندیشه به ذهن مبتدای می‌شود که آیا خبر رابطه با آمریکا خبری خوش برای ملت است. اشکال کار کجاست؟ وقتی واقع‌بینی را کنار می‌گذاریم و افراطی گری می‌کنیم به ورطه سقوط نزدیک می‌شویم. افراط در نگاه به یک پدیده جاری موجب ازدست‌رفتن موفقیت‌ها و امکانات می‌شود و چنین می‌شود که گاه آن‌قدر به عقب می‌رویم که از پشت بام سقوط می‌کنیم، درحالی‌که اشیای از زوایای مختلف اشکال متفاوت دارند و اگر ضرب‌المثل «عیب او گرچه بگفتی هنرش نیز بگویی» را به کار بندیم، از دام افراط و تفریط رها خواهیم شد و واقعیت را به همان شکل حقیقی خواهیم دید. اما هیچ‌یک از اینها برای ما ایرانیان نمی‌تواند خبری خوش تلقی شود، این امور، اموری گذرا و حسب شرایط زمان است و معمولاً نقش واکنش‌های شیمیایی برگشت‌پذیر را دارند، درحالی‌که امروز سرسزمین ما به سرنوشته واکنش‌های شیمیایی بازگشت‌ناپذیر دچار شده است. برای ما خبر خوش آن است که روند تکیده‌شدن سرزمینمان را متوقف‌شده بدانیم و برای آن اندیشه کنیم و این ممکن نمی‌شود مگر آنکه در آستانه سال نو و احیای طبیعت، فرموده حافظ را به یاد داشته باشیم که نسیم باد نوزوری همواره از نسوی دوست می‌وزد و این ادراک را در خود زنده کنیم که تنها با مدد از آن، چراغ دل و اندیشه ما می‌تواند برافروخته شود و نوزور ما، روزی نو برای سرزمینمان و به تیغ از آن برای ملت ما باشد. حلول سال‌نو شمسی و رمضان، بسر همه هم‌وطنان مبارک باد.

شرق: در آخرین روزهای اولین سال قرن جدید سیاست خارجی ایران با تحركات كم‌سابقه‌ای مواجه شده است. در این میان علاوه بر وزارت امور خارجه، شورای عالی امنیت ملی هم حسابی پای کار آمده است. سازمان انرژی اتمی هم به سهم خود با موافقت برای سفر گروسی و توافق با آژانس، سنگ‌بنای این پوست‌اندازی را گذاشت و به دنبال آن هم سفر شمخانی به یکن و مذاکرات پنج‌روزه نهایتاً به ازسرگیری مناسبات تهران - ریاض منجر شد.

به تبع این اتفاق، طیفی از کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای هم از تمایلشان برای احیای روابط با

### یادداشت

## برای کسی که قلم به دست نگرفت ولی آن را به دوش کشید



شاهرخ تویسرکانی

هیچ یک از ما هرگز یک قدم جلوتر از آنجا را که ایستاده‌ایم ندیده‌ایم، پنجره دید ما، نگرش ما به زندگی است. آدم‌ها اندازه ذهن‌شان زندگی می‌کنند نه به قدر اموال‌شان، سوادشان یا اندوخته و حتی توان‌شان. آدم‌ها می‌توانند سبک‌بار و سرخوش بر ساحل آرامش خود بیایند یا هم‌جوار دریای آندوه هم‌نواشان باشند. در بیش از نیم‌قرن کار مطبوعاتی‌ام انسان‌های زیادی دیده‌ام، دوستانر مجلات، دشمن مطبوعات، عاشق کار خبری، دیوانه روزنامه‌خواندن، رفیق روزنامه‌نگاران و آدم‌های از اساس بی‌خبر! «محمد مظاهری» اما هیچ کدام اینها نبود. عشق به کار مطبوعات و فعالیت فرهنگی برای او نه از جنس تیختر و تظاهر به روشنفکری بود و نه از سر منفعت‌طلبی و سوداگری مالی و این برای کسی که نه اهل نوشتن بود و نه دل در گرو آن داشت، مصداق یاری بود که مکتب نرفته و خط‌نوشته، میر این مجلس شده بود! کار مطبوعاتی و روزنامه‌نگاری در ایران دارد ۲۰۰ساله می‌شود، اما این درخت با تمام باری که در دوران مختلف برای جامعه‌اش داشته، تاوَر نیست، تنومندی‌اش حتی به اندازه سایه‌ای بر سر اهالی‌اش هم نیست. روزنامه‌نگاران را می‌گویم که با هر حکم گاه و بیگاهی مبتلایند به خانه‌نشینی، مجرم‌شدن، مهاجرت، بی‌کاری و… . متأسفانه باید اقرار کنیم که روزنامه‌نگاری در ایران رنیم زاده شد و این‌نیم را هیچ‌کس به فرزندی قبول نکرد. گاهی امسا آدم‌هایی بودند که بی‌مبت و چشمداشت دستش را گرفتند. دوست من، محمد مظاهری در سال‌هایی که به نظر می‌رسید روزنامه‌نگاری کهری از گره‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی این کشور را باز می‌کند، وارد کار مطبوعات شد و با سرمایه‌ای که از کسب‌وکار شخصی‌اش به دست آورده بود پشتیبان روزنامه‌های اعتماد، شرق و چلچراغ شد. او از همان روز اول می‌دانست قرار نیست از این خان، نصیب و بهره مالی ببرد. در همه جای دنیا مطبوعات، اساس رکن چهارم دموکراسی خوانده می‌شود و مدافع راستین حقوق شهروندان خود در مقابل دولت‌است و همین قدرت تبدیل به تشکیلات رسانه‌ای و سازوکاری شده است که هم کار خود و اهالی‌اش را با بدون نگر و پندهای مرسوم در به اصطلاح جهان سوم پیش می‌برد و هم گره‌گشای مشکلات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه‌اش می‌شود. اما در ایران مطبوعات آن‌قدر نحیف و آسیب‌پذیر است که حمایت از آن بیشتر شبیه فعالیت حمایتی و مسئولیت اجتماعی شده است. البته که اشاره به نشریات خوش آب و رنگ تجاری و آگهی‌گیری که دچار بی‌دردی هستند، ندارم. شاید محمد مظاهری هم می‌توانست برای خودش چند مجله پرآب‌وتاب و بی‌محتواره ببنداند و با آگهی، پول روی پولش بگذارد. اما او با تمام وجود و از دل و جان، بیبار در بزنگاه‌های حساس جامعه دغدغه مشکلات روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و اثرگذار را داشت. گذشته از این بارها من شاهد بودم که چگونه روزنامه‌نگارانی را که به واسطه تعطیل‌شدن روزنامه بی‌کار می‌شدند ، حمایت می‌کرد، پیگیربودنش برای خانواده روزنامه‌نگاران در

نگاهی به ارزیابی کارشناسان از دغدغه اصلی اقتصاد ایران در سال آینده

# مسئله تورم



عکس: عطا طاهرکاره، AFP

♦ **شمخانی به امارات می‌رود تا درباره مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای با همتای اماراتی خود مذاکره کند**

♦ **وزیر دارایی عربستان، سرمایه‌گذاری عربستان در ایران بعد از توافق اخیر با سرعت گسترده انجام خواهد شد**

ایران گفتند؛ بحرین، مالدیو، لیبی، مصر، اردن و… هم‌اکنون سعی دارند به شکل جدی‌تری در مسیر طی‌شده عربستان گام بردارند. افزون بر نهادها و ارگان‌های مذکور، هیئت‌پارلمانی از سوی مجلس شورای اسلامی هم با حضور در منامه سعی در احیای روابط ایران و بحرین دارد. با درنظرگرفتن مجموعه این تحركات، بهرام فلاحي در گفت‌وگویش با «شرق» بر گزاره «فرادولتی» بودن تغییرات اخیر در سیاست خارجی ایران تاکید دارد. در تبیین هرچه بهتر این نکته، مفسر سروزه دیپلماسی بر این باور است که اگر به لایه‌های عمیق‌تر این سفرها و توافقی نگریسته شود، به نظر می‌رسد این تحركات در واپسین روزهای سال ۱۴۰۱ فراتر از اختیارات دولت است؛ یعنی از دیدگاه فلاحي دولت سیزدهم، مجلس یازدهم، شورای عالی امنیت ملی، سازمان انرژی اتمی و در کل همه سیستم سعی دارند به شکل چندوجهی و موازی این پوست‌اندازی را پیش ببرند.

گزارش تیتربک را در صفحه ۲ بخوانید

فضاهای باز شهری چگونه عرصه‌ای برای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی می‌شوند

**زندگی وزوال فضاهای همگانی شهری**

زیر تیغ مولدسازی / علی اعطا

گزارشی درباره میدانگاه تجریش؛ پلازایی که مردم می‌خواهند / کفت‌وگوبا سعید ایزدی

بوی عیدی، بوی توپ، بوی کاغذ رنگی / سیدمحمد بهشتی



گونه‌شناسی الگوهای احتمالی رشد اقتصادی و نتایج آن

## زیروزبر رشد اقتصادی ایران

۸

نگاهی به سیر پروانه‌شناسی در کشور برای پروانه‌های ایران

۶

به بهانه درگذشت اختر فیزیک‌دان «محمد حیدری ملایری» که آسمان و ایران را با جان و دل دوست داشت

## اخترشناس ستارگان و کاوشگروازگان

۱۰



قلعه‌نویی برخلاف نگاه سابقش به مربیان خارجی روی می‌آورد

### از اجنبی بد به اجنبی خوب

۹

### یادداشت

### مصلحت عمومی در شهر



ترانه بلدا

معمار و شهرساز

از شما سیاست‌گزارم که در لایه‌لای مطالبی که به نیت حل مسائل جاری بافت قدیم شهر شیراز هر هفته در اینجا می‌نویسم، به اصول عام حاکم بر شهر و شهرداری و شهرسازی توجه می‌کنید. من اینها همه را از دیگران آموخته‌ام و همچنان می‌آموزم. همین دو، سه روز پیش دوستی در مطلبی کوتاه و وزین درباره فلسفه و اندیشه ایرانی نوشته بود که در غرب و در اواخر قرون وسطی قدیمی موفق می‌شود این‌ایده را جا بیندازد که مفهوم «مصلحت عمومی» باید در حوزه سیاسی نیز وارد شود تا اندیشه یونانی-غربی، جنبه حقوقی نیز پیدا کند و آنچه برای جامعه شهری تصمیم گرفته می‌شود، بتواند نزد عموم نیز مقبول بیفتد. یعنی «آنچه به مصالح عامه مربوط می‌شود، باید از سوی عامه نیز مورد تصویب قرار گیرد». در ادبیات خودمان هم خاقانی را داریم که ۵۰۰ سال پیش چنین سروده است:
خاص را در آستین پرورده‌اید، عام را در آستان باد آورید؛
که البته خواهش می‌کند و نه تکلیف. حال باید دید آیا آنان که بر مسند تصمیم‌گیری برای ایجاد تغییرات کالبدی در شهرهای ما تکیه زده‌اند، متوجه این ضرورت هستند؟ و از آن مهم‌تر، آیا کسانی که دست‌اندرکار خرید و فروش املاک برای توسعه معابر ریز و درشت و ایجاد زیرگذر و روگذر و… هستند، اصلاً متوجه‌اند که این اقدامات برگشت‌ناپذیر است؟ و اگر بخوانند ارزشمندترین بافت‌های تاریخی را دستخوش این تغییرات کنند، ممکن است دعای خیر هیچ‌کس را به این کارشان جلب نکنند؟

ادامه در صفحه ۵



از روزنامه‌فروشی‌ها بخواهید